

مکتب فلسفی شیراز

سید محمد علی مدرس مطلق



تهران، ۱۳۹۱



دانشگاه پیام نور
استان اصفهان



موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

سرشناسیه	: مدرّس مطلق، محمدعلی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: مکتب فلسفی شیراز/ محمدعلی مدرّس مطلق : (برای) بخش همایش س‌المللی
موضوعات بنیّن	: مکتب فلسفی اصفهان.
موضوعات ظاهری	: تهران : موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ، ۱۳۹۱.
شابک	: ۱۸۶ص.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-964-8036-94-7
موضوع	: فلسفه اسلامی -- ایران -- شیراز
موضوع	: فلسفه اسلامی -- ایران
موضوع	: فلسفه و ادب اسلامی
شناسیه افروده	: همایش س‌المللی مکتب فلسفی اصفهان (نخستین : ۱۳۹۱ : اصفهان)
شناسیه افروده	: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ / ۹۴۴۵ / BBR۶۰
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۹۰۲۲۵

مکتب فلسفی شیراز

تالیف: محمد علی مدرّس مطلق

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: طرفه

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰ ریال

حق چاپ و نشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه شهید آرکلیان، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۰۵۴۴۵ / ۶۶۴۰۵۴۴۲ / ۶۶۹۵۳۳۴۲

ISBN 978-964-8036-94-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۳۶-۹۴-۷

www.iri.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسر است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احساسی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد. متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی - عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به حکمت **ایمانی** نیز شهرت یافت، حکمت **ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** ملارجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث

کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌ای از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است - جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باسکوه، ترفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کربن در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسد که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای احیای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته‌ی علمی همایش، افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت. آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح الثانیة الکبری صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، السوارق ابوالحسن قائمی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الكلمة الطيبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا

اسماعیل واحد العین، ساقی‌نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسسی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجهی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضیای گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به إحيای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص إحيای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجة الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسن رامشت، دکتر محمد بیدهندی، دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر

میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر عبدالحسین خسروپناه که ضمن عنایت خاص نسبت به این رویداد فرهنگی بزرگ، به پیشنهاد استاد محترم جناب آقای دکتر حسین کلباسی اشری، با چاپ منشورات همایش توافق نمودند. بدین ترتیب هزینه‌های آماده‌سازی آثار از حروف‌چینی تا صفحه‌آرایی بر عهده‌ی دبیرخانه‌ی همایش و چاپ و انتشار آثار توسط آن مؤسسه‌ی گرانقدر انجام می‌شود. در این‌جا از کلیه‌ی مسئولان و مدیران این مؤسسه، معاونت پژوهشی، واحد چاپ و انتشارات و سایر دست‌اندرکاران صمیمانه سپاسگزاری می‌نماییم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:
الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین- وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نماییم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوهرنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی

دبیر علمی نخستین همایش

بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست

مقدمه مولف	۱۰
فصل اول: پیشینه مکتب فلسفی شیراز؛ بیضاوی و ایجی	۱۵
فصل دوم: میرسیدشریف جرجانی	۲۹
فصل سوم: سیدصدرالدین دشتکی	۴۳
فصل چهارم: جلال الدین دوانی	۶۳
فصل پنجم: داستان مناظرات دشتکی و دوانی	۸۷
فصل ششم: غیاث الدین منصور دشتکی	۱۱۳
فصل هفتم: شمس الدین محمد خفری	۱۳۳
فصل هشتم: جمال الدین محمود شیرازی	۱۴۹
فصل نهم: ملا حبیب الله باغنوی	۱۶۷
فصل دهم: محقق فخری	۱۷۵
فهرست ماخذ مکتب فلسفی شیراز	۱۸۱

مقدمه مولف

برای نوشتن تاریخ فلسفه اسلامی نخست باید گزارش قدم به قدم آن را نوشت به ویژه دوره‌هایی که غریب و مغفول مانده و روشن نشدن آن، سهم بزرگی را که دانشمندان و فیلسوفان مسلمان ایرانی در پویایی و تداوم حیات حکمت اسلامی داشته‌اند، برملا می‌سازد. حوزه شیراز، بدون شک، یکی از حوزه‌های تاثیرگذار در تاریخ فلسفه اسلامی بوده است؛ دوره‌ای پس از فعالیت‌های فلسفی خواجه طوسی و شاگردانش، و پیش از مکتب فلسفی اصفهان.

در ابتدا به نظر می‌رسید نگاشتن کتابی درباره مکتب فلسفی شیراز به همان سبک و سیاقی و نظم و ترتیبی که مکتب فلسفی اصفهان نوشته شد، کار راحتی نباشد؛ چرا که حوزه شیراز نه شروع و آغاز مشخصی و نه تربیت طبقات حکمای آن یکدستی و تسلسل بلاانقطاع مکتب اصفهان را دارد و نه در آن دوره به فلسفه محض توجه می‌شده بلکه مباحث فلسفی ضمن مباحث کلامی مطرح می‌شده است، به عبارت دیگر موضوعات کلامی با روش فلسفی بررسی شده‌اند. با این حال مجموعه آثار و مؤثر ارزشمند بجای مانده از آن حوزه عظیم، بخوبی ثابت می‌کند که از یکسو در زمانی که بسیاری از مناطق ایران زمین در اثر حمله وحشیانه مغول منهدم شده بود، جنوب ایران به ویژه منطقه فارس پناهگاه حکیمان و عارفان و متکلمان نام‌آور ایرانی و عرصه‌ای برای فعالیت‌های فکری و فلسفی ایشان و از سوی دیگر، مشعل فروزان تفکر و اندیشه فلسفی که رو به سوی نابودی می‌رفت همچنان روشن نگاه داشته شد.

مکتب شیراز دوره‌ای است مابین مکتب مراغه و مکتب اصفهان، مکتب مراغه دوره شرح و بسط است، چه برای فلسفه‌ی مشاء و چه برای فلسفه‌ی اشراق و مکتب اصفهان دوره‌ی تأسیس و طرح نو در انداختن است؛ مباحث فلسفی در عرصه‌های کلامی جا می‌افتد و راه برای طرح اندیشه‌های نو باز می‌شود ولی این به منزله کلامی شمردن مکتب شیراز نیست.

مکتب شیراز تنها در مقابله‌ی مدرسه‌ی دوانی و مدرسه‌ی دشتکی‌ها منحصر نیست بلکه جریانی است که از بیضاوی شروع می‌شود و با قاضی عضدالدین ایجی ادامه می‌یابد و با میرسید شریف گرگانی تثبیت می‌گردد و با سید صدر و دوانی اوج می‌گیرد و تا فخر سماک استرآبادی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. اینکه از این حوزه می‌توان به عنوان مکتب شیراز سخن گفت، از آن روست که کل این دوره بازگوکننده جریان واحد و برخوردار از اوصافی مشترک است.

در میان مکاتب عدیده‌ی فلسفه اسلامی شاید مکتب شیراز بیش از همه ناشناخته و مظلوم واقع شده و تا حد زیادی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

مکتب شیراز را برخی مترادف مکتب سید سند شمرده‌اند و برخی دیگر که شاید جامع‌تر دیده‌اند بدان دوران مهیا و آمادگی لقب داده‌اند. برخی تمامی فعالیت‌های فیلسوفان آن را در سایه‌ی فلسفه صبرایی ملاحظه کرده‌اند؛ برخی آن را کلامی و نه فلسفی دانسته‌اند و دوره‌ی فترتش نامگذاری کرده‌اند؛ برخی آن را کلامی و نه فلسفی دانسته‌اند و دوره‌ی فترتش نامگذاری کرده‌اند و با وجود این هیچ یک بدان آنچنان که بوده نپرداخته‌اند. اگر مکتب شیراز عبارت آخرای مدرسه دشتکی‌ها باشد، تلاش‌های سید شریف که بسترسازی کرده، حوزه ملاجلال دوانی که همزمان و مقابل آن بوده، کوشش‌های جمال‌الدین محمود که این دو مقابل را به هم پیوند داده، نادیده گرفته می‌شود؛ و اگر دوران آمادگی محسوب گردد متضمن این است که هیچ نظریه مستقل و اصیلی پرداخته نشده و صرفاً مباحثاتی صورت گرفته باشد و با این که فلاسفه‌ی صدرالماتلهین خود نتیجه‌ی احتساب‌ناپذیر تدقیقات و تعمیقات مکتب شیراز و رویکرد جدید مؤسسين مکتب اصفيان است، متصفانه نیست تلاش دو قرن و نیمی حکما و متکلمان که فضل تقدم با ایشان بوده هیچ شمرده شود و به صرف این که کتابی که آن بحث‌ها حول محورش بوده، کتابی در علم کلام است نمی‌توان مباحث بی شمار اولیه را که عمده‌تاً فلسفی بوده، کلامی محسوب کرد و آن را دوره‌ی فترت فلسفه اسلامی نامید. با این اثر روشن می‌شود که این عده هیچ یک در نظریات خود طرق صواب نیموده‌اند و از

یک سو نه به آثار فراوانی که در این دوره پدید آمده و بسیاری از آنها هنوز به چاپ نرسیده توجه نکرده‌اند و نه به مباحث فلسفی عمیقی که در همین زمانه جریان داشته پرداخته‌اند. مکتب شیراز نه دوره‌ی فترت فلسفه است نه صرفاً کلامی است، نه منحصر به مکتب سید سند است و نه صرفاً مقدمه فلسفه صدرایی است و نه خای از نتایج پربار بوده است. البته این گونه که چگونه عمده‌ی آثار فیلسوفان شیراز در حاشیه‌ها و حاشیه بر حاشیه‌ها ظاهر می‌شود، از خصوصیت ذاتی این مکتب مایه می‌گیرد که بدون آن که ترتیب کلی نظام فلسفی را دستکاری کنند درصدد اصلاح عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن است. افزون بر این، اساساً سنت حاشیه‌نویسی در فرهنگ اسلامی متضمن فواید و دستاوردهای درخور توجهی بوده است و همین حاشیه‌هاست که مسیر تطور و تحول و تعامل علمی جامعه مسلمانان را نشان می‌دهند. بسیاری از حواشی نگاشته شده در حوزه شیراز، این ویژگی را نیز دارند که با رویکرد نقدی یا ردی نوشته شده‌اند و به ویژه مواقعی که پیروان یک مذهب آثار یکدیگر را نقد می‌کردند، خود نشان رواج روحیه نقد و آزادی اندیشه و بیان بوده است. برای مثال حواشی نوشته شده بر شرح قوشجی بر تجرید محقق طوسی و نیز حواشی بر این حواشی.

چنانکه گویند دست کم ۲۳ حاشیه بر حاشیه‌خوانی بر شرح قوشجی نوشته شده است.

هر چند در مقام مقایسه مکتب شیراز با مکتب اصفهان می‌توان به وجوه اشتراک اختلاف آنها پرداخت، برای مثال این که مکتب شیراز بشتوانه حکومتی ثابتی نداشته در حالی که مکتب مراغه را ایلخانان و مکتب اصفهان را صفویه یاری می‌رسانده‌اند و یا این که مکتب شیراز مباحث فلسفی را در لابلا‌ی متون کلامی ولی مکتب اصفهان با افق نوین فلسفی و در زمینه و بستر فلسفی به طرح مباحث حکمی پرداخته و مواردی دیگر؛ اما یکی از نکات مهم درباره هر دو مکتب تقسیم دو به دو دوره متقدم و متاخر است.

مکتب شیراز متقدم نزدیک به عصر خواجه طوسی شکل گرفته و تا عصر مکتب اصفهان ادامه داشته است و مکتب شیراز متأخر از زمان صدرا به بعد بوده است.

و اما مکتب متقدم اصفهان، حوزه فلسفی شیخ الرئیس و شاگردان آن جناب است و مکتب متأخر اصفهان از میرداماد به بعد را شامل می‌شود. لیکن اگر در مورد مکتب اصفهان، مکتب متأخر شایان توجه است، در مورد مکتب شیراز، مکتب متقدم نیاز به بررسی دارد، زیرا فلسفه شیخ الرئیس و تلامذه او و از آن سو نیز فلسفه ملا صدرا و شاگردانش بقدر کافی روشن است. آنچه مبهم است فاصله بین خواجه نصیر تا مکتب اصفهان است و این کتاب تلاشی است برای آن که از فعالیت‌های فلسفی این دوره نشان داده شود و در ضمن، طبقات و حلقات فیلسوفان میان دو مکتب مراغه و اصفهان ترسیم گردد.